

گفتاریست و سوم:

«ارتش آزادیبخش» یا  
لژیون خارجی عراق



## فصل اول:

### پیشینه ارتباطات سازمان و عراق

#### □ مواضع علنی سازمان در قبال عراق

اولین موضع‌گیری علنی و ثبت شده سازمان در قبال عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در ۱۸ فروردین ۱۳۵۹ رخ داد. در پی ادعای رژیم بعث عراق در مورد جزایر سه گانه خلیج فارس و متهم ساختن ایران به تحریم مخالفان دولت عراق، سخنگوی سازمان «ضمن محکوم کردن شدید این نحوه برخورد رژیم عراق» تأکید کرد که: «دولت بعث، زخم‌های کهنه را مجدداً سرباز نموده و علیه ایران مستمسک قرار داده است. ... دعوای ارضی نظیر مسئله جزایر، پیوسته عامل تحریکی در دست امپریالیست‌ها بوده است... ما خواستار آن هستیم که دولت بعث هر چه سریع‌تر به این فتنه‌انگیزی خاتمه داده و بیش از این، اسباب رضایت خاطر امپریالیست‌ها و تفرقه خلق‌ها را فراهم نگرداند.»<sup>۱</sup>

در نشریه مجاهد مورخ ۲۳ فروردین ۵۹ نیز، در ستون نگاهی به اخبار و رویدادهای دنیا، تحت عنوان «در حرف ضد امپریالیسم در عمل...» اقدام دولت بعث عراق در «طرح مسائل انحرافی چون دعوای ارضی» «سعی در منحرف کردن اذهان مردم از دشمن اصلی یعنی آمریکا» توصیف گردید.<sup>۲</sup>

در ۲۷ فروردین ۱۳۵۹، همزمان با اوج‌گیری تنش سیاسی و نظامی بین عراق و ایران، پس از پخش

۱. مجموعه اعلامیه‌ها... ج ۳: ص ۱۴۱. روزنامه کیهان، ۱۹/۱/۵۹: ص ۱۲.

۲. نشریه مجاهد، ش ۳۸: ص ۸.

گفتاری در تجلیل از مجاهدین خلق و سران و بنیانگذاران آن در بخش فارسی رادیو بغداد، سخنگوی سازمان در مورد «برنامه‌های اخیر بخش فارسی رادیو عراق» چنین اظهار داشت:

مدتی است که رادیو عراق، در برنامه‌های فارسی خود، از برخی نشریات مجاهدین استفاده کرده و دفاعیات شهدا و مواضع عقیدتی - سیاسی سازمان و برادران ما را مورد تجلیل قرار می‌دهد.

از آنجا که همزمان با افزایش اختلافات عراق با ایران، این نحوه برخورد، حاصلی جز ضربه زدن به مجاهدین ندارد، لذا به مسئولان این رادیو هشدار می‌دهیم که:

اولاً - مجاهدین را اسباب ترفندها و معامله‌گری‌های سیاسی خود قرار ندهند؛ همان معاملات و کش و واکش‌های سیاسی که در گذشته نیز بر حسب آنها وقتی با شاه به توافق رسیدند، انقلابیون و ترقی‌خواهان ایران را از عراق اخراج نموده و رادیوشان نیز دفعتاً چنان موضعی اتخاذ نمود که گویی دیگر در ایران هیچ خبری نیست. وانگهی مسئولان عراقی، خود در سال ۴۹ مجاهدین را که از دویی با هواپیمای مصادره شده ایرانی به بغداد رفته بودند به خوبی در زیر شکنجه آزموده‌اند، باید پذیرفته باشند که نه می‌توان به هیچ قیمتی مجاهدین خلق ایران را خرید و نه آنها را بازبچه معاملات سیاسی قرار داد.

ثانیاً - اگر کسی در عراق مدعی انقلابیگری و ترقی‌خواهی است، چه انقلاب فلسطین و چه گسترش یک دموکراسی انقلابی و مردمی در داخل کشور خود، بهترین صحنه آزمایش اوست و لذا اگر رادیو بغداد داعیه احترام گذاشتن به سازمان و چهره‌های انقلابی ایران را دارد، بهتر است راه نزدیک‌تر (یعنی داخل خود عراق را) پیماید.<sup>۱</sup>

یک روز پس از اعلام موضع مزبور، سخنگوی سازمان در ۲۸ فروردین ۵۹ درباره ملاقات مسعود رجوی با هانی الحسن سفیر فلسطین در ایران، اظهارات صدام حسین در مورد شرایط پایان درگیری با ایران را «شرایط بسیار غیرعملی و شگفت‌انگیزی» توصیف نمود و آن را متعارض با ابراز تمایل وزیر خارجه عراق به حل اختلافات از طریق مذاکره برشمرد:

پیدا است که یا حرف‌های صدام حسین صرفاً مانور تبلیغاتی و طبل میان تهی است و یا آقای سعدون حمادی می‌خواهد در افکار عمومی بین‌المللی موجه جلوه کرده و ایران را مقصر معرفی کند. علی‌هذا، «مجاهدین خلق ایران» بر این عقیده‌اند که چنانچه وزیر خارجه عراق قصد گمراه کردن افکار عمومی بین‌المللی را ندارد و به راستی به احترام متقابل کشورها و عدم

۱. مجموعه اعلامیه‌ها...، ج ۳: ص ۱۶۴. روزنامه کیهان، ۵۹/۱/۲۸: ص ۳.

مداخله در امور داخلی ایران، اعتقاد داشته و واقعاً نمی‌خواهد که توطئه جنگ‌افروزانه امپریالیستی میان ملت‌های مسلمان به نتیجه برسد، به توصیه‌های انقلابیون فلسطین و شخص برادر «یاسر عرفات» مبنی بر مایوس کردن امپریالیسم بین‌المللی، گوش فرادهد.<sup>۱</sup>

همچنین در نشریه رسمی سازمان، در تاریخ ۶ اردیبهشت ۵۹ شهادت آیه‌الله محمدباقر صدر و خواهر ایشان، «مظلومانه‌ترین شهادت‌ها» و نشانه دیگری بر «خلق و خوی فاشیستی عمال بعثی عراق» توصیف شد و چنین تأکید گشت:

مجاهدین خلق ایران ضمن تسلیت این فاجعه به امام خمینی و تمامی مردم، پیروزی هر چه سریع‌تر آزادی و عدالت را برای ملت برادر عراق و همه انقلابیون راستین آن آرزومندند.<sup>۲</sup>

## □ سازمان و جنگ تحمیلی

سازمان، در تاریخ ۲۰ شهریور ماه ۱۳۵۹، در حالی که انتشار نشریه مجاهد را از تیرماه قطع کرده بود، طی اطلاعیه‌ای که در مورد حوادث و تحرکات تجاوزکارانه ارتش بعث عراق و مزدوران آن در مرزهای غربی کشور انتشار داد، با «محکوم کردن استبداد حاکم بر عراق» چنین اعلام داشت:

سازمان مجاهدین خلق ایران، ضمن ابراز تأسف شدید از همه خسارات جانی و مالی جنگ‌های غرب کشور و تسلیت به تمامی خلق قهرمانان، بدین وسیله اعلام آمادگی می‌کند تا چنانچه مقامات کشور مجاز نمایند، در دفاع از مرزها و شهرها و هموطنانی که تحت تهاجم استبداد بعثی حاکم بر عراق و یا مزدوران شاه‌خائن (امثال پالیزیان) واقع شده‌اند، شرکت کند.<sup>۳</sup>

در شرایطی که همزمان با اوج‌گیری برخوردهای نظامی عراق و ایران در مرزهای غربی و جنوبی کشور، در عرصه داخلی، کماکان سازمان به مثابه یک عامل اصلی تشدید تنش‌ها و درگیری‌های داخلی در شهرهای مختلف کشور محسوب می‌گردید،<sup>۴</sup> ولی مع‌الوصف بعد از آغاز تجاوز سراسری رژیم صدام به

۱. مجموعه اعلامیه‌ها...، ج ۳: ص ۱۶۹. روزنامه کیهان، ۵۹/۱/۲۸: ص ۹.

۲. نشریه مجاهد، ش ۴۹: ص ۱.

۳. متن اطلاعیه ۲۰ شهریور ۵۹. جنگ تحمیلی در تحلیل...: صص ۲۰ - ۲۱. این اطلاعیه در فوق‌العاده ۶ صفحه‌ای نشریه مجاهد که بدون تاریخ در اواخر شهریور ۵۹ به عنوان پاسخ به اتهام مشارکت سازمان در کودتای نوژه، انتشار یافته بود، در ص ۵ درج گردید.

۴. در جلد دوم کتاب حاضر، مواضع و عملکرد تشنج‌آفرین سازمان و زمینه‌سازی شورش مسلحانه طی سال‌های ۵۹ و ۶۰ تشریح و تبیین شده است.

ایران در ۳۱ شهریور ۵۹، موضع تبلیغاتی قبلی مبنی بر آمادگی برای دفاع، مجدداً توسط سازمان تکرار شد:

سازمان مجاهدین خلق ایران طی اطلاعیه‌ای به تاریخ اول مهر ضمن محکوم کردن تجاوزات عراق مجدداً برای دفاع از میهن و مردم اعلام آمادگی می‌کند.<sup>۱</sup>

اما این اطلاعیه و اطلاعیه‌های قبلی و بعدی، تا دهم آبان ماه که سازمان یک شماره فوق‌العاده مجاهد منتشر ساخت، انتشار و بازتاب چندانی نمی‌یافت. عملاً هم، دفاتر و اعضا و وابستگان سازمان درگیر خطوط تشکیلاتی «افزایش تشنج اجتماعی» بودند و موضوع تهاجم دشمن به کشور، هیچ جایگاه جدی و مؤثری در خط‌مشی سازمان پیدا نکرده بود، چنانکه در آینده هم پیدا نکرد.

در مورد چگونگی انعکاس اطلاعیه‌های مذکور در مطبوعات لازم به ذکر است که روزنامه کیهان در تاریخ ۲۲ مهرماه ۵۹ متن تلگرام هواداران سازمان در اهواز به استاندار خوزستان را درج نمود که طی آن به اطلاعیه‌های ۲۰ شهریور و اول مهر اشاره و استناد گشته و مضمون آن بازگو شده بود.<sup>۲</sup>

سازمان همچنین، در پنجم مهرماه ۱۳۵۹، طی اطلاعیه‌ای تأکید کرد:  
... در شرایط حسّاس و خطیر کنونی که بر این میهن حاکم است، کلیه نیروها باید متحداً در دفاع از کشور در برابر تجاوز و تهاجم خارجی عمل کنند.<sup>۳</sup>

در شرایطی که لزوم وحدت عام و فراگیر - که مجاهدین خلق نیز به آن اذعان داشتند - در قبال تجاوز وسیع عراق به خاک ایران بر کسی پوشیده نبود، در عرصه درگیری‌های سیاسی داخل کشور، سازمان از مواضع واگرایانه خود در قبال نظام و نهادهای نوپای آن دست برنداشته و همچنان بر طبل ادعاهای خود - تشنج‌آفرینی و متهم کردن نهادهای نظام به اعمال غیرقانونی - می‌کوبید. از این رو طبعاً ادعاهای وحدت‌طلبانه ایشان جدی گرفته نمی‌شد. بدین جهت در اطلاعیه بعدی نوشتند:

... در شرایط حسّاس و خطیری که بر میهن ما می‌گذرد و وحدت و یکپارچگی صفوف تمام اقشار ملت و کلیه نیروها را برای مقابله با تهاجم و تجاوز خارجی ایجاب می‌کند، ما در کمال تأسف شاهد برخی عملکردها و تبلیغات تفرقه‌افکنانه و ناقض وحدت عمل و فشار بر نیروهای

۱. نشریه مجاهد، ش فوق‌العاده، ۵۹/۷/۱۰: ص ۳.

۲. روزنامه کیهان، ۵۹/۷/۲۲: ص ۴.

۳. متن اطلاعیه ۵ مهر ۵۹.

### انقلابی هستیم.<sup>۱</sup>

فشارهایی که سازمان از آن سخن می‌راند (و اغلب خود نیز در ایجادش نقش اساسی داشت)، راه نداشتن - یا راه نیافتن - عناصر سازمان با هویت تشکیلاتی به جبهه‌ها بود. بدیهی است که اگر اعضای سازمان بنا به اقتضات نیروهای نظامی، در قالب نیروهای تحت هدایت فرماندهان ذیربط قرار می‌گرفتند، اساساً وجهی برای تمایز و شناخته شدن آنان از دیگران نمی‌بود که منجر به تضییقات یا محدودیت‌های ادعایی گردد. مشکل از آنجا آغاز می‌شود که صحنه حساس و پیچیده جبهه‌های جنگ توسط سازمان به عرصه‌ای برای مانور تشکیلاتی و تبلیغات گروهی و خودمختاری نیروهای شبه‌نظامی سازمان تبدیل می‌شد و مشکلات و تشنجات جدید در «جبهه نظامی» کشور علاوه بر «جبهه سیاسی» پدید می‌آورد. حدود دو هفته بعد از اطلاعیه قبلی، اطلاعیه دیگری صادر شد که ضمن آن چنین آمده بود:

مجاهدین خلق ایران از اینکه مراجعات و اقدامات سازمان جهت رفع این ممانعت‌ها و مساعدت به نیروهای سازمان، تاکنون بی‌نتیجه مانده و پای تصفیه حساب‌های تفرقه‌افکنانه گروهی و انحصارطلبی به میدان‌های جنگ و دفاع نیز کشیده شده، بسیار متأسف بوده و از مقامات مسئول درخواست می‌کند که در این شرایط حساس با رفع این گونه ممانعت‌ها زمینه را برای انجام وظیفه میهنی و مردمی کلیه نیروها فراهم آورند.<sup>۲</sup>

این مطالب درست در زمانی انتشار می‌یافت که طبق اسناد درونی سازمان، این تشکیلات تداوم جنگ را در جهت خواست خود برآورد می‌کرد، زیرا به باور آنان:

... به لحاظ مسائل داخلی نیز چون مسائل داخلی ایران بیشتر است، اگر جنگ درازمدت بشود، باعث سقوط رژیم ایران خواهد شد؛ ولی عراق علی‌رغم داشتن یک سری مسائل داخلی چون قدرت سازماندهی دارد، قادر است که مسائلش را حل نماید...<sup>۳</sup>

اما آنچه که در تبلیغات علنی سازمان به عنوان ممانعت‌ها و تضییقات مشارکت نیروهای آن در جنگ ذکر می‌شدند و با استناد به آنها، عملاً بر عدم حضور مؤثر در صحنه دفاع تصریح می‌شد، چه بود؟ در متن مفصلی تحت عنوان «گزارش به خلق قهرمان ایران، مجاهدین خلق در جبهه‌های مقاومت» چنین آمده

۱. متن اطلاعیه ۸ مهر ۵۹.

۲. متن اطلاعیه ۲۳ مهر ۵۹.

۳. جنگ تحمیلی در تحلیل...: ص ۲۰.

بود:

... مضيقه‌سازی و ایجاد محدودیت در کلیه کارهای ما [در جبهه‌های جنگ] صورت گرفته که به شرح زیر خلاصه می‌شود:

الف - در زمینه تسلیحاتی تقریباً در تمام مراجعات بی‌جواب ماندیم. ما در مقابل درخواست تسلیحات مناسب جهت مقاومت در برابر نیروهای متجاوز، علی‌رغم آنکه حاضر بوده و هستیم که هرگونه تضمین مورد قبول آقایان را نیز پذیرا شویم، با جواب‌های منفی روبرو گشته‌ایم. تأسف آورتر آن که در مواردی حتی سلاح‌های محدود خودمان نیز بارها ضبط گردیده است...

ب - نوع دیگر کارشکنی، فشار و تهدید و به تعطیل کشاندن مراکز آموزش نظامی ما بوده است...

ج - برای حفر خندق‌های ضدتانک نه تنها امکاناتی در اختیار ما نمی‌گذارند بلکه در مواردی حتی مانع شده‌اند که افراد ما... خود به این کار اقدام کنند...

د - فشار و محدودیت حتی جهت اقداماتی نظیر برپایی چادرهای امداد و جراحی مجروحین و یا اقدامات پشت جبهه‌ای مانند ایجاد تعاونی‌های صنفی نیز به شدت اعمال می‌شود...<sup>۱</sup>

ملاحظه می‌شود که بنا به مفاد صریح نوشته رسمی سازمان، تشکیلات سیاسی مزبور انتظار داشته است که امکانات آموزشی، لجستیکی و تسلیحاتی یک ارتش را خود، مستقلاً دارا باشد و در کنار نهادهای رسمی نظامی مانند ارتش و سپاه، جداگانه به ایفای نقش بپردازد. واقعاً اگر قصد یک سازمان سیاسی و حتی شبه نظامی متعلق به دوران قبل از استقرار نظام، آن می‌بود که همراهی و مشارکت فعال در عرصه دفاع از سرزمین و مقابله با تجاوز را داشته باشد، تنها راه آن برخورداری از یک نیروی نظامی مستقل «شخصی و اختصاصی» بوده است؟ و در آن صورت چه هرج و مرج و اغتشاشی پدید می‌آمد. در حالی که طبیعت رفتار سیاسی یک سازمان قانونی و قانونمند ایجاب می‌کند که بدون شرط‌گذاری و مداخله مستقیم، با تبلیغات و آموزش‌های خود نیروی اجتماعی هوادار یا مخاطب خویش را به سمت سازمان‌دهی در نهادهای رسمی نظامی کشور گسیل دارد و جبهه مقاومت ملی و فراسازمانی را تقویت کند.

۱. نشریه مجاهد، ش فوق‌العاده، ۵۹/۸/۱۰: ص ۳.



با وجود آشکار بودن ضعف و نادرستی داعیه و استدلال سازمان و تکرار پی در پی تبلیغات مبنی بر اینکه مسئولان نظام به دلیل انحصارطلبی و یا دشمنی با سازمان، مانع مشارکت آن در مقابله با تجاوز دشمن شده است، به نظر می‌رسید که «جنگ عراق علیه ایران» هم صرفاً یک سوژه جدید در کنار سایر سوژه‌های تبلیغاتی قبلی برای توجیه تشنج‌آفرینی و زمینه‌سازی تقابل آتی در برابر نظام، قلمداد می‌شده است.

سازمان، با تأکید بر فضای پرسش‌گری افکار عمومی نسبت به موضع آن در قبال جنگ، و اتخاذ ژست مظلومانه، پس از یک دوره ۴ ماهه سکوت نسبی تبلیغاتی، در دهم آبان ۵۹ یک شماره فوق‌العاده نشریه مجاهد در ۱۲ صفحه منتشر ساخت.

در این فوق‌العاده در کنار مطالبی مانند گزارش در مورد حضور نیروهای سازمان در جبهه‌ها و ذکر اسامی و مشخصات افرادی به عنوان «شهادی سازمان» در جبهه‌های جنگ،<sup>۱</sup> بیانیه تفصیلی سازمان «در رابطه با تجاوز عراق» نیز درج گردید. در این بیانیه با تأکید بر «محکوم نمودن تجاوز عراق»، «سیاست تجاوزکارانه استبداد بعثی حاکم بر عراق که به دلیل توسعه‌طلبی‌های ارتجاعی» جنگ را آغاز نموده، «شدیداً محکوم» گشته است. در قسمت‌های مختلف این بیانیه «رژیم بعث عراق»، بخشی از «جبهه کشورهای ارتجاعی منطقه»، «مانعی در مسیر مبارزات ضدامپریالیستی» که در «مسیری انحرافی به نفع امپریالیسم و صهیونیسم» امکانات و کوشش‌های خلق‌های آزادیخواه ایران و منطقه را هدر می‌دهد، و با «هدف‌های ارتجاعی توسعه‌طلبانه»، بدون «حسن نیت» و «صداقت»، «در خط امپریالیسم آمریکا قرار گرفته» است، توصیف شده است.<sup>۲</sup>

در خاتمه این بیانیه پس از تکرار چند باره مدعای عدم مساعدت مسئولان کشور به سازمان برای «انجام وظیفه سازمان» در قبال جنگ و طرح متعدد اتهام «انحصارطلبی و تفرقه‌افکنی و ضدیت با نیروهای انقلابی» به مقامات رسمی کشور، سعی شده بود که در پوشش پیشنهاد راه‌حلی‌هایی برای

---

۱. افرادی که به عنوان شهادی سازمان در جبهه‌ها در این نشریه و سایر نشریات مجاهد (از آذر ماه به بعد) معرفی می‌شدند یا از اعضای نیروهای نظامی رسمی کشور بودند که سازمان مدعی بود آنان هوادار یا عضو بوده‌اند، و یا کسانی بودند که در اثر بمباران یا تصادف در مسیر مناطق جنگی در حین مأموریت‌های سازمانی کشته شده بودند.

۲. نشریه مجاهد، ش فوق‌العاده، ۵۹/۸/۱۰: ص ۳.

موفقیت کشور در جنگ، مطالبات سیاسی نامشروع و زیاده‌خواهانه سازمان، تبلیغ و توجیه شوند.<sup>۱</sup> همچنین در توضیح شرط «در صورت مجاز داشتن» که در اولین اطلاعیه سازمان برای مشارکت در دفاع از کشور ذکر شده بود، مقاله‌ای تحت عنوان «چرا تجویز شرکت در دفاع را خواستار شدیم؟» در ویژه‌نامه مجاهد درج شده بود که محتوای آن تکرار چندباره دعای و مطالبات تسلیحاتی و تشکیلاتی برای «امکان‌پذیر شدن» مشارکت سازمان در مقابله با تجاوز عراق، بود.<sup>۲</sup>

در این مقاله تأکید شده بود که:

... تأیید رسمی حضور نظامی ما می‌توانست به ایجاد فضای سازنده‌ای برای ما و همه منجر شود... در این میان آن که بایستی تاوان غرض‌ها و ندانم‌کاری‌ها را بپردازد، خلق ستم‌کشیده ماست.<sup>۳</sup>

در بخشی از گزارش سازمان در مورد حضور در جبهه‌ها نیز چنین اعلام شد:

حرف آخر به امثال این آقایان [= مقامات مسئول کشور] این است که شما ترضیقات را از برادران حاضر ما در منطقه جنگ‌زده بردارید، آنهایی را که در آنجا با حداقل امکانات می‌جنگند تسلیح کنید، مطمئن باشید نیروهای زیاد دیگری هستند که در صورت دست برداشتن از انحصار طلبی و در صورت در اختیار قرار دادن امکانات نظامی، به جبهه اعزام خواهند شد.<sup>۴</sup>

ماه‌ها بعد، که ماهیت و اهداف سازمان بیشتر روشن شده بود، رجوی در جواب به رقبای «بیکار»ی، اهداف مجاهدین خلق از اتخاذ چنان موضعی - که به ظاهر مردمی و در جهت دفاع از میهن وانمود می‌شده - در روزهای شروع جنگ را، بدین گونه سربسته قدری توضیح می‌دهد:

فکر می‌کنم احساسات سراسری توده‌های مردم در آن هنگام احتیاجی به شرح ندارد و همه می‌دانند که کمترین شبهه ایجاد اخلال در جنگ و یا اصلی نمودن (و یا حتی بیان) سایر دردها و مشکلات در قبال آن، از آنجا که احساسات سراسری را جریحه‌دار می‌نمود، بهترین بهانه را به دست مرتجعین می‌داد تا تحت الشعاع جنگ، افکار عمومی را نسبت به انقلابیون مغشوش نموده و به آنها ضربه بزنند.<sup>۵</sup>

۱. همان: ص ۱۲.

۲. همان: صص ۱ و ۱۱.

۳. همان: ص ۱۱.

۴. همان: ص ۳.

۵. نشریه مجاهد ش ۱۱۴: ص ۳۷؛ مصاحبه مسعود رجوی. وی در این مصاحبه تلاش می‌کند غیرمستقیم اثبات

علت ابراز علاقه سازمان برای حضور در جبهه چه بود؟! چه اهدافی را - جدای از بهره‌برداری تبلیغاتی - دنبال می‌کرد؟! هنوز چند هفته‌ای از آغاز جنگ نگذشته بود که در یک مورد کاملاً مشخص، ارتش جمهوری اسلامی رفتار افراد سازمان در جبهه را متناقض با امنیت ملی و اهداف جنگ تشخیص داد و ناگزیر از مقابله با آن گردید.

ماجرا از این قرار بود که مجاهدین خلق، از بدو ورود به جبهه‌ها، شروع به گرفتن عکس و جمع‌آوری اطلاعات کرده بودند - که با اعتراض مقامات ارتشی مواجه شدند.<sup>۱</sup> به آنها گفته می‌شود که عکس‌های خود را باید قبل از انجام هر کاری، به آنان نشان بدهند تا ببینند به لحاظ امنیتی مسئله‌ای نداشته باشد. عناصر سازمان با این مسئله مخالفت ضمنی می‌کنند و همچنان به کارهای خود ادامه می‌دهند. کار به جایی می‌کشد که ارتش مقر مجاهدین خلق را محاصره و همه آنها را دستگیر می‌کند و مدارک موجود را، که شامل اطلاعات وسیعی درباره وضعیت استراتژیک ارتش و عکس‌های بسیاری از موقعیت جبهه‌ها و دیگر مدارک بوده است، ضبط می‌کند.<sup>۲</sup>

در پی صدور اطلاعیه دادستانی انقلاب در تاریخ ۵۹/۸/۷ مبنی بر ممنوعیت انتشار نشریات سازمان که در آن زمان به نام‌های «بازوی انقلاب» و «فریاد گودنشین» منتشر می‌شد، به دلیل مواضع منفی آنها در مورد «جنگ تحمیلی»، و «تضعیف روحیه سپاهیان و رزمندگان»، سازمان اطلاعیه مفصلی منتشر ساخت که طی آن درباره مواضع خود در قبال جنگ و مقابله با تصمیم دادستانی، چنین اعلام نمود:

---

کند که از موضع نظام در مورد جنگ حمایت نمی‌کند و همراهی سازمان در ابتدا مشروط و محدود بوده و ماهیت جنگ را ناشی از تخاصم دو دولت می‌داند که هر دو از مشروعیت برخوردار نیستند. رجوی با ارائه نقل قول‌هایی از لنین و مائو تصریح می‌کند که اختلاف سازمان با پیکار فقط در تاکتیک برخورد با نظام جمهوری اسلامی است. ۱. در نشریه سازمان به مواردی که صرفاً جنبه بهره‌برداری تبلیغاتی آنها آشکار بود و توسط مسئولان ممانعت شده بود، تحت عنوان «فشار روزافزون مرتجعین بر سربازان و درجه‌داران آزاده» اذعان شد این موارد که به وضوح نقض نظم و انضباط نیروهای نظامی و سوءاستفاده از امکانات نظامی برای تبلیغات تشکیلاتی بود، با روحیه طلبکارانه و حق به جانب سازمان این‌گونه بیان شده است:

«در تاریخ ۵۹/۱۲/۳ ایادی منتجم امام جمعه پایگاه وحدتی [نیروی هوایی] دزفول مانع از فروش نشریه مجاهد توسط یک سرباز می‌شوند. ... ضمناً به دو سرباز دیگر که روی تانک چیفتن کار می‌کردند به دلیل گرفتن عکس یادگاری با آن همراه با آرم سازمان، اخطار کردند که در صورت تکرار اخراج خواهند شد.» نشریه مجاهد، ش ۱۱۴: ص ۴۷.

۲. جنگ تحمیلی در تحلیل...: ص ۲۶.

... جنگی که از قریب یک ماه و نیم پیش در ابعاد گسترده‌ای شروع شده همچنان ادامه دارد، نیروهای متجاوز عراقی پس از اینکه برخی نواحی و شهرهای ما را اشغال کرده‌اند در این اواخر شهر آبادان را در محاصره گرفته... شرایط جنگی همچنان بر میهن ما حاکم است... مسئله‌ای که وجود دارد این است که مجاهدین از همان ابتدا در جبهه‌های مقاومت حضور داشته‌اند ولی عناصر و محافل و ارگان‌های ارتجاعی سعی می‌کردند تا مجاهدین را برکنار از این جبهه‌ها قلمداد کرده... دادستانی رسماً پا به میدان نهاده تا با سوءاستفاده از شرایط جنگ... صدای مجاهدین خلق را خاموش کند تا دیگر هیچ پیام انقلابی به گوش مردم نرسد... دادستانی نباید گمان بکند که می‌تواند صدای مجاهدین را خاموش کند... ما به دادستانی توصیه می‌کنیم که تصمیم غیرقانونی خود را لغو کند. چرا که مجاهدین خلق هرگز بدین اختناق تن نمی‌دهند.<sup>۱</sup>

روحیه جسارت و ایستادگی در برابر نهادهای قانونی کشور که در کلیه تبلیغات سازمان، دامن زده می‌شد، در مورد جنگ علاوه بر نمونه فوق در سایر مواردی که تخلفات آشکار سازمان نیز کشف می‌شد، تکرار می‌گشت. از جمله در آبان ماه ۵۹ در مورد کشف یک خانه تیمی سازمان در شهر آبادان خبری منتشر شد که طبق آن، ۳۰ قبضه سلاح و یک بیسیم مسروقه سپاه برای استراق سمع مکالمات واحدهای نظامی در آنجا به دست آمد. همچنین از این خانه تیمی «اطلاعات وسیعی راجع به ارتش جمهوری اسلامی که در اشکال مختلف تهیه شده بود، به دست آمد از جمله نقشه مقر سلاح‌های سنگین نیروهای مسلح رزمنده اسلام و علامت‌گذاری کلیه مناطق عملیاتی جنگی».<sup>۲</sup>

سازمان در واکنش به این خبر بر اساس همان روحیه قانون ستیزی، بدون آنکه توضیحی برای کار اطلاعاتی مشکوک و خودسرانه خود در منطقه جنگی ارائه کند، حاشیه‌پردازی کرده و خانه تیمی مزبور را «سنگر مقاومت» در برابر تجاوز عراق توصیف کرد و کشف آن را از مصادیق اقدامات حاکمیت انحصارطلب برشمرد و با کنایه و طعنه تأکید نمود که: «خوب بود آقایان به جای پرداختن به دستگیری مجاهدین، هم خود را صرف مبارزه با تجاوز می‌کردند».<sup>۳</sup>

همچنین در اطلاعیه رسمی سازمان تحت عنوان «گزارش به خلق و هشدار مجاهدین خلق ایران در مورد دستگیری نیروهای جان بر کف مجاهدین خلق در جبهه‌های مقاومت»، حضور نظامی سازمان

۱. نشریه مجاهد، ش فوق‌العاده، ۱۳۵۹/۸/۲۵: صص ۲ و ۷.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۵۹/۸/۱۷: ص ۱.

۳. نشریه مجاهد، ش فوق‌العاده، ۱۳۵۹/۸/۲۵: ص ۵.

بدون قرار داشتن تحت پوشش نیروهای نظامی رسمی کشور و به صورت تشکیلاتی، توجیه شده بود و از موضع یک نیروی نظامی ذیحق و مدعی، دست بالا گرفته شده بود و نهادهای قانونی کشور، مطابق معمول تبلیغات مکرر و انبوه سازمان مورد حمله و اتهام قرار داده شد:

... اخیراً به دنبال تمام فشارهایی که در سراسر کشور بر مجاهدین خلق (به مثابه استوارترین موانع سازش و گرایش به غرب) وارد می‌آید... فشار و تهاجم بر نیروهای ما که در سنگرهای مقدم مقاومت در حال پیکار با نیروهای اشغالگر هستند فزونی گرفته است... آیا وقاحت بالاتر از این می‌توان یافت که در شهری که همه سلاح بردوش در سنگرها در حال مقاومت هستند<sup>۱</sup> ادعای کشف خانه تیمی بشود... آیا داشتن ابزار و آلات جنگی در صحنه جنگ هم برای مجاهد جرم است... آیا این افراد که می‌گویند در میدان جنگ از ما ابزار و ادوات جنگی کشف کرده‌اند این مسئله را دلیل بر مجرم بودن ما می‌شمرند?... آیا ما پیشاپیش برای هماهنگی بارها و بارها در زمینه‌های طرح‌های دفاعی و تهاجمی با مسئولین صحبت نکردیم?... انتظار داریم چنانچه گوش شنوایی در مسئولین برای توجه به این سخنان وجود دارد، اقدامات لازم برای ممانعت از این رفتارها که فقط به نفع اشغالگران عراقی است به عمل آورند تا بیش از این منافع خلق، باز بچه قدرت طلبی گروه‌های واپس‌گرا و تفرقه‌افکن قرار نگیرد.<sup>۲</sup>

سازمان که تنها تشکل سیاسی بود که در قامت رقیب و هم‌عرض نیروهای نظامی کشور خود را نشان می‌داد و اعلام می‌کرد که برای «هماهنگی با سایر نیروهای نظامی اقدام کرده، و در یک رفتار نادر و در نوع خود منحصر به فرد، اصرار داشت که حضور تشکیلاتی نظامی مستقل در مناطق جنگی داشته باشد، طی نامه‌ای خطاب به بنی‌صدر رییس جمهور (و رونوشت به رییس مجلس شورای اسلامی) مجدداً بر دعوای تبلیغاتی نادرست و غیرقانونی خود پافشاری کرد:

همان طوری که طی نامه‌هایی خطاب به مقامات مسئول و همچنین طی اطلاعیه‌های رسمی اعلام کرده‌ایم، نیروهای سازمان مجاهدین خلق ایران، از اولین روزهای آغاز تجاوز عراق به میهن ما در کنار مردم و نیروهای رزمنده و در صفوف مقدم جبهه به دفاع از مرزها و مردم کشور

۱. نیروهای مردمی مسلح در شهرهای مناطق جنگی تحت پوشش و سازماندهی «سپاه» و «کمیته‌های انقلاب اسلامی» قرار داشتند و سازمان «بسیج» که هنوز نوپا بود نیز در حال گسترش بود و بخش‌هایی از مقاومت غیررسمی و مردمی را مدیریت می‌کرد. همچنین ستاد جنگ‌های نامنظم در جنوب کشور هم به تازگی با مسئولیت دکتر چمران نماینده امام در شورای عالی دفاع شکل گرفته بود. بنابراین هیچ محمل و ضرورتی برای حضور یک تشکل سیاسی نظامی وجود نداشت.

۲. نشریه مجاهد، ش فوق‌العاده، ۱۳۵۹/۸/۲۵: ص ۴.

پرداخته‌اند... این افراد که متأسفانه برخی مقامات مسئول نیز در میان آنها دیده می‌شوند... نه تنها علی‌رغم تقاضاهای مکرر ما برای دریافت سلاح‌های لازم مانع از برآورده شدن چنین خواستی شدند، بلکه به دستگیری و وسیع نیروهای مجاهدین خلق، در شهرهای مناطق جنگ‌زده پرداختند... ما در آغاز جنگ تلاش کردیم تا برای شرکت در دفاع از مردم و میهن‌مان... تجویز مقامات مسئول را نیز کسب کنیم... که متأسفانه تا به حال این درخواست ما بلاجواب مانده است... مجاهدین خلق ایران به این وسیله و ضمن اطلاع این مطلب مؤکداً از جناب‌عالی به عنوان فرمانده کل قوا<sup>۱</sup> خواستاریم که اقدامات لازم را در جهت توقف فشارها و رفع تضییقات از نیروهای ما در شهرها و مناطق جنگ‌زده معمول... فرماید.<sup>۲</sup>

به رغم تصریح و اذعان سازمان مبنی بر عدم «مجاز قانونی» برای حضور نظامی در مناطق جنگی، تا مدت‌ها، برخورد قانونی مسئولان با تخلفات و جرائم «تیم‌های نظامی» سازمان، سوژه تبلیغاتی سازمان علیه نهادهای قانونی کشور در شرایط جنگی، محسوب می‌شد.<sup>۳</sup>

همچنین پس از ناکامی سازمان برای «رسمیت بخشیدن» به حضور تشکیلاتی نظامی خود در مناطق جنگی، حتی با توسل به بنی‌صدر رییس‌جمهور که در نیمه دوم سال ۵۹ آرام آرام به متحد استراتژیک سازمان بدل شده بود، تبلیغات سازمان در مورد جنگ به اعلام هر از چندگاه «شهادت» نیروهای نظامی که به خود منتسب می‌ساخت، محدود گردید. ضمناً مواضع سیاسی سازمان علیه رژیم بعث نیز به مرور کم‌رنگ‌تر شد و غلظت «مقصر نشان دادن نظام جمهوری اسلامی» در زمینه‌سازی جنگ، در تحلیل‌های سازمان افزایش پیدا کرد تا آنجا که در خرداد ۱۳۶۰، سه روز قبل از شورش مسلحانه سی خرداد، در موضع‌گیری نسبت به مبارزان مشکوک و پیچیده تأسیسات هسته‌ای عراق توسط اسرائیل،<sup>۴</sup> تلویحاً نظام

۱. در آن زمان رییس‌جمهور طی حکمی از سوی حضرت امام خمینی، به مسئولیت فرماندهی کل قوا منصوب شده بود که در سال ۶۰ به دلیل عدم کفایت و صلاحیت، عزل گردید.

۲. نشریه مجاهد، ش فوق‌العاده، ۱۳۵۹/۸/۲۵: ص ۴.

۳. نشریه مجاهد، ش ۹۹ و ش ۱۱۰ و ش ۱۱۴ (مورخ ۵۹/۱۲/۲۶) نمونه‌هایی از این تبلیغات در قبال برخورد با عناصر سازمان در مناطق جنگی را تا پایان سال ۵۹، دربر دارند.

۴. واقعه مزبور اساساً بازتاب سیاست منطقه‌ای رژیم صهیونیستی در جهت جلوگیری از دسترسی ملت‌های مسلمان به فناوری انرژی هسته‌ای محسوب می‌شد و یکی از علل آن احتمال پیروزی جمهوری اسلامی و یا نیروهای انقلابی در داخل عراق، در آن مقطع زمانی بود که اسرائیل در هماهنگی با آمریکا زیرساخت تأسیسات بهره‌برداری نشده هسته‌ای عراق را منهدم ساخت و ربطی به ماهیت وابسته رژیم بعث عراق نداشت. اما رژیم صدام کوشید در تبلیغات منطقه‌ای و در بین کشورهای اسلامی از این واقعه بهره‌برداری نماید و خود را دشمن

جمهوری اسلامی هم‌سو با آمریکا و رژیم صهیونیستی برشمرده شد.<sup>۱</sup> به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، این تغییر موضع و آغاز همکاری‌های گسترده نظامی و امنیتی سازمان با رژیم عراق که در ابتدا غیرعلنی بود و به سرعت آشکار شد، اثبات نمود که از ابتدا، موضع سازمان در مورد جنگ، ناصادقانه و فرصت‌طلبانه بوده است.

### □ همکاری اولیه سازمان با ارتش عراق

از مجموعه اولین اقدامات سازمان، مورد «تخلیه تلفنی»، به دلیل نقش بااهمیت و جامع آن، بالاخص در خدمت به عراق، - نمونه‌وار - در اینجا می‌آید. تخلیه تلفنی یا جاسوسی تلفنی که با شیوه‌ها و تکنیک‌هایی چون زیرپا کشی، استتقاق، تهدید، تطمیع، یکدستی، تجاهر و غیره اقدام به کسب اطلاعات محرمانه می‌شود، از ابتدای پس از پیروزی انقلاب تاکنون یکی از مهم‌ترین روش‌های گردآوری اطلاعات طبقه‌بندی شده توسط سازمان محسوب می‌گردد.

نخستین شواهد در مورد تلاش سازمان در این زمینه، مربوط به سال ۵۹ است. طبق رهنمود مرکزیت به برخی از اعضای سازمان تأکید شده بود که نظام فاقد پیچیدگی لازم است و شما می‌توانید از این روش، جهت کسب اطلاعات استفاده نمایید. متن این مدرک درون گروهی که مربوط به فاز سیاسی است ولی در دوره فاز نظامی بدست آمده، به شرح زیر است:

چگونه می‌توان با تلفن از مزدوران ارتجاع اطلاعات گرفت:

بعضی از مسئولین ارگان‌های مختلف ارتجاع که با مسئله حفاظت برخورد مستقیمی ندارند هنوز نسبت به مسائل حساس نشده‌اند (به قول معروف هنوز آنتن دار نشده‌اند) لذا از طریق تلفن می‌توان پاره‌ای اطلاعات را که بعضاً مهم نیز هست از آنها گرفت.

اطلاعاتی که از طریق زیر بدست می‌آید می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد:

۱- در مورد سوژه‌هایی که هیچ ردی از آنها نداریم می‌توان از ارگان‌های مختلف در مورد سوژه

---

صهیونیسم معرفی کند تا بتواند افکار عمومی اعراب و مسلمانان را به نفع خود و علیه ایران جلب نماید. سازمان نیز در امتداد همین سیاست تبلیغاتی رژیم صدام، در آستانه رویارویی مسلحانه گسترده با نظام، در مورد جنگ تحلیل وارونه ارائه می‌داد.

۱. نشریه مجاهد، ش ۱۲۵، ۶۰/۳/۲۷: ص ۵.

اطلاعات گرفت و با ارتباط این اطلاعات می توان به سرخ‌هایی رسید.  
۲- در مورد سوژه‌هایی که اطلاعات مختصری از آنها داریم از طریق تلفن این اطلاعات را کامل کنیم. اکنون تجربیاتی که در این زمینه وجود دارد توضیح می‌دهیم.  
مهم‌ترین قسمت تلفن محمل آن است. محمل باید خیلی جاافتاده و حساب شده باشد که اصلاً به ذهن طرف نرسد که ممکن است تلفن مشکوک باشد. برای انتخاب محمل باید به پارامترهای زیر توجه نمود:

قبلاً باید روی محمل فکر کرد و برای تمام سؤال‌هایی که ممکن است حول و حوش محمل مطرح شده جواب تهیه کرد. ...

سازمان در دوران جنگ، از زمان حضور تشکیلاتی در کردستان عراق و افزایش همکاری‌های متقابل اطلاعات به دست آمده را بیشتر در زمینه اطلاع‌رسانی به عراق (جهت افزایش اعتماد مقامات امنیتی و سیاسی رژیم صدام و سرویس‌دهی بیشتر و کسب امکانات مالی و نظامی) خرج می‌کرده است. در آن زمان، سازمان قبل از هر چیز در پی آن بود که:

- ۱- روند برنامه‌های جاری و طرح‌های درازمدت ارتقای توان دفاعی کشور را شناسایی نماید.
- ۲- از محتوای فرمان‌های فرماندهی کل قوا به سیاست‌گذاران و مجریان نیروهای مسلح مطلع شود.
- ۳- زمان و انگیزه ورود هیئت‌های نظامی و سیاسی خارجی و نوع مذاکرات و مشخصات و اهداف مأموران اعزامی نیروهای مسلح به خارج از کشور را پی ببرد.
- ۴- با شناسایی تغییر و تحولات پایگاه‌های هوایی و پادگان‌ها، مأموریت‌ها و نقل و انتقالات فرماندهان، و تجهیزات و خطوط تولید کارخانجات نظامی، امکان ارزیابی دقیق‌تر توان دفاعی و تهاجمی را برای رژیم عراق تأمین نماید.
- ۵- از زمان و مکان و محتوای مراسم مهم نظامی و کمیسیون‌هایی که در سطح عالی ستادی تشکیل می‌شد، مطلع شود.

ع- مسائل و معضلات و نارسایی‌های پرسنل و مشکلات ستادی و لجستیکی نیروهای مسلح را به دست آورد.

از آنجا که تخلیه تلفنی نسبت به سایر روش‌های جاسوسی به دلیل سهل‌الوصول بودن، کم هزینه بودن، کم خطر بودن، سرعت بیشتر در دسترسی و انتقال اطلاعات، امکان دستیابی به همه مراکز و افراد موردنظر، عدم هوشیاری و آموزش کافی در بین بسیاری از مسئولان، و ضعف امکانات فنی در جلوگیری



از این شیوه، از امتیازات منحصر به فردی برخوردار است در سطح وسیعی مورد استفاده سازمان قرار گرفته است. رجوی، بعدها در خارج کشور در یک جمع خصوصی عنوان نموده است: «۸۰ درصد مکالمات تخلیه تلفنی که با داخل کشور داشته‌ایم موفقیت‌آمیز بوده است.»<sup>۱</sup>

پس از اعلام رسمی حضور کامل سازمان در عراق از سال ۱۳۶۵، که مقدمات علنی آن در ملاقات طارق عزیز نایب نخست‌وزیر عراق با مسعود رجوی در دی ماه ۱۳۶۱، فراهم شد و روابط اطلاعاتی و نظامی با عراق، «رسمیت تبلیغاتی» یافته بود، بالاترین سطح خدمات رسانی ممکن به ارتش عراق در تداوم علیه ایران، از سوی سازمان انجام شده است. مسعود جابانی عضو سابق سازمان که خود در عملیات نظامی داخل عراق، به شدت زخمی شده است، درباره نوع روابط سازمان و عراق چنین می‌نویسد:

کشور عراق، زمین و تدارکات و تجهیزات نظامی و لجستیکی و هزینه ارتش آزادیبخش مجاهدین را تأمین می‌کرد و در مقابل، مجاهدین اطلاعات جبهه‌ها و تحرکات نظامی ایران و شنود بی‌سیم ارتش ایران را به دولت عراق می‌داد. ... این عراق بود که کاملاً سازمان را در خدمت خود گرفته بود.<sup>۲</sup>

محمدحسین سبحانی از مسئولان اسبق اطلاعاتی و امنیتی سازمان درباره نحوه هماهنگی عراق و سازمان در زمینه کسب اطلاعات می‌نویسد:

... استخبارات عراق [= سازمان اطلاعات نظامی] از طریق مهدی ابریشمیچی، «پرسش‌های اطلاعاتی» مورد نیاز ارتش عراق را در مورد شناسایی محل پل‌ها، تأسیسات آب و برق، کارخانه‌ها و مراکز اقتصادی و نظامی ایران را به مسعود رجوی می‌داد و سپس رهبری سازمان نیازهای اطلاعاتی «استخبارات» عراق را به «ستاد اطلاعات» سازمان ارجاع می‌داد. «ستاد اطلاعات» نیز بعد از کار اطلاعاتی بر روی سؤالات، اقدام به تهیه پاسخ‌های آن می‌کرد.<sup>۳</sup>

به نوشته سبحانی، «مسئولیت» ستاد اطلاعات «سازمان» را تاکنون [۱۳۸۳] مهدی افتخاری، هادی روشن‌روانی، مهدی براعی، مسعود خدابنده، حمید باطبی، زهره حسنی برعهده داشته‌اند... در «ستاد

۱. بررسی تخلیه تلفنی...: صص ۱۴ - ۲۲؛ با تلخیص.

۲. جابانی، روانشناسی خشونت و ترور: ص ۶۸.

۳. سبحانی، روزهای تاریک بغداد: ص ۳۰۴.

اطلاعات» جمع‌آوری اطلاعات نظامی برای عملیات‌های نظامی و تروریستی موردنظر بود.<sup>۱</sup> در این ستاد «شبکه شنود» وجود داشت که «یکی از منابع جاسوسی و کسب اطلاعات برای رژیم صدام حسین بود و شبکه‌های بی‌سیم و مخابراتی ایران را در جبهه‌های جنگ مانیتور و شنود می‌کرد. اعضای سازمان در این بخش پیام‌های رمز فرماندهان ارتش و سپاه را به دلیل آشنایی به زبان فارسی و فرهنگ ایرانی، با رمزگشایی کشف می‌کردند. سپس مسئول «ستاد اطلاعات» پیام‌های کشف شده را به مهدی ابریشمچی و نهایتاً در اختیار ارتش صدام حسین قرار می‌داد. در سال ۱۳۶۶ مسئولیت این بخش با محسن سیاه‌کلاه از اعضای مرکزیت سازمان بود.»<sup>۲</sup>

مهدی خوشحال عضو سابق سازمان با استناد به اسناد و مدارکی که از همکاری‌های اطلاعاتی سازمان و عراق در اروپا منتشر شده است می‌نویسد:

مجاهدین خلق نه تنها به راحتی آب خوردن اطلاعات سرّی کشورشان را در اختیار عراقی‌ها قرار می‌دادند، بلکه رهبرشان برای خوش رقصی نزد افسران اطلاعاتی عراق، نه تنها ایرانی بودنش را منکر می‌شد، بلکه صریحاً وطن خود را «عراق» و خون خود را هم «عراقی» می‌خواند.<sup>۳</sup>

جمشید طهماسبی یکی دیگر از جدانشدگان سازمان چنین نوشته است:

...مجاهدین خلق تبدیل به عوامل نفوذی ارتش عراق و حزب بعث در ایران شدند، با «خلوص» و «اخلاص» به نفع ارتش عراق و رژیم صدام حسین جاسوسی کردند...<sup>۴</sup>

به نوشته اعضا و مسئولان جداشده سازمان، علاوه بر روش‌های مرسوم کسب اطلاعات، سازمان از ارتباطات خانوادگی اعضا و هواداران نیز در بسیاری اوقات بدون اطلاع و موافقت آنان، بهره‌برداری نموده و اطلاعات محرمانه نظامی را از داخل کشور گردآوری کرده و به رژیم صدام انتقال می‌داد.<sup>۵</sup>

۱. همان.

۲. همان: صص ۳۰۶-۳۰۷.

۳. برای قضاوت تاریخ: ص ۱۳.

۴. همان: ص ۴۵.

۵. سیحانی، روزهای تاریک بغداد: صص ۳۰۴-۳۰۷.

## □ جاسوسی سازمان با امکانات صدام

در کنار پشتیبانی نظامی - مالی - اطلاعاتی و تبلیغاتی رژیم بعثی صدام از سازمان - که بخش قابل توجهی از اسناد به دست آمده پس از سقوط صدام حسین به جزییات این مسائل اشاره دارد - نظر به اهمیت تخلیه تلفنی، علیرغم مشکلات متنوع عراقی‌ها، بهترین و گسترده‌ترین امکانات با دستور شخص صدام حسین در اختیار منافقین قرار می‌گرفته است.

اسناد موجود<sup>۱</sup> حاکی است یکی از وظایف اصلی مقرهای مختلف سازمان در مناطق همجوار با ایران، تخلیه تلفنی و جمع‌آوری اطلاعات جبهه و جنگ بوده است.

راهاندازی شبکه ارتباطات بین پادگان‌ها و مقرهای تاکتیکی سازمان در عراق علاوه بر نقش کاربردی در انسجام تشکیلاتی و به تعبیر خود سازمان، اعمال رهبری رجوی بر سازمان، تأثیر بسزایی در انتقال سریع اطلاعات به دست آمده از جاسوسی‌ها و تخلیه تلفنی و انتقال به موقع این اطلاعات به سرویس اطلاعاتی عراق داشته است. در نوار جلسه شماره ۴۰ - از اسناد افشا شده پس از سقوط صدام<sup>۲</sup> - که بین عباس داوری<sup>۳</sup> و افسران سرویس اطلاعاتی عراق برگزار شده، چنین آمده است:

عباس داوری: در رابطه با پروژه شبکه تلفنی که آخر کار رسیده فعلاً کار ارتباط بین پادگان‌ها برقرار است و در پادگان مرکزی فعال است اما گویا این تلفن‌ها خیلی ضعیف است و پارازیت دارد و من فکر می‌کنم دارند این را آزمایش می‌کنند. ولی فکر می‌کنم اگر این مجموعه مسئولین فنی ما در همان پادگان مرکزی با مهندسین هدایتی ما هماهنگی و صحبت کنند، یعنی اگر

---

۱. همانگونه که در گفتار پیشین اشاره شد، پس از فروپاشی رژیم صدام حسین اسناد منتشره ارتباط منافقین و صدام اعم از صوتی و تصویری و مکتوب در خارج کشور عرضه شده و بر روی سایت‌های اینترنتی قرار گرفت که بخشی از آنها توسط مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی جمع‌آوری و نگهداری شده است. در بخش‌های مختلف کتاب به این موارد استناد شده که از جمله بحث حاضر مبتنی بر آنها نگاشته شده است.

۲. پس از سقوط صدام، توسط نیروهای مردمی و مبارز که به مراکز اطلاعاتی رژیم بعث حمله کرده بودند، بعضی از نوارهای ویدیویی ضبط مخفی استخبارات از جلسات فیما بین مقامات عراقی با سران سازمان (رجوی، ایریشمچی، داوری و...) افشا گردید که از طریق برخی فعالان سیاسی مخالف سازمان و جادشدگان در اروپا منتشر شد. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی نیز توانست به بخشی از این اسناد و نوارها دسترسی پیدا کند. در این کتاب قسمت‌هایی از این نوارها پس از ترجمه، برای اولین بار منتشر می‌شوند.

۳. عباس داوری که از معدود سران سازمان بود که با مقامات ارشد اطلاعاتی و امنیتی عراق مذاکره می‌کرد، خود شخصاً در مذاکرات به زبان عربی صحبت می‌کرد و در برخی ملاقات‌های سرّی مسعود رجوی با مقامات عراق یا سایر کشورهای عربی، صحبت‌های فیما بین را نیز ترجمه می‌کرد.

(مهندسین شما) بروند آنجا و هماهنگ کنند اشکالات مشخص خواهد شد و هم نتیجه بهتری خواهند گرفت. یعنی مسئله ارتباطات تلفنی مورد تأکید و موافقت شخص رییس جمهور (صدام) بوده است. حالا شما این همه زحمت کشیدید و ارتباطات برقرار شد. لازم است که اشکالات جزئی نیز برطرف شود. مخصوصاً در رابطه با فرماندهی برادر مسعود که لازم است فرماندهی خود را از این طریق برقرار کنند.

افسر اطلاعاتی عراق: یکی از نیروهای شما اخیراً حضور ما رسیده و در زمینه بعضی از موارد صحبت‌هایی با ما داشته است و قصد دارند یک سری برنامه‌ها را پیگیری نمایند. عباس داوری: بله برادران فنی ما هستند. حالا که شما این همه زحمت کشیدید باید بتوانیم بهره‌برداری کنیم.

در ادامه که موضوع جاسوسی از طریق تخلیه تلفنی خارج، از مناطق کردنشین عراق مطرح می‌شود رابط سازمان بر اخذ امکانات بیشتر تأکید دارد:

عباس داوری: مسئله دیگر تلفن سلیمانی به خارج است که ما الآن در آنجا خیلی در مضیقه هستیم. شما یک بار گفتید که امکانش نیست از سلیمانیه مستقیماً صحبت شود. اگر این امکان نیست ما چند تلفن دیگر به شما بدهیم تا آنها بتوانند از اپراتور شما استفاده بکنند. افسر سرویس اطلاعاتی عراق: ارقام را می‌شود اضافه کنیم. تماس‌های خارجی و اصلی همه نزد شما است. بیش از ادارات و وزارتخانه‌های دولتی در خدمت شما است و به شما می‌دهند و باید صبر کنید.

عباس داوری: در مورد تردهای اضطراری در شمال است و یک شماره‌ای هم در کرکوک می‌خواستیم تا صفر آن باز شود.

درباره داوری و نقش وی در روابط با مقامات اطلاعاتی عراق، محمدحسین سبحانی از مسئولان سابق اطلاعاتی سازمان چنین نوشته است:

... عباس داوری با نام تشکیلاتی رحمان اهل تبریز [متولد ۱۳۲۲] و از اعضای قدیمی سازمان می‌باشد... وی بعد از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ مسئولیت روابط خارجی سازمان را برعهده داشت... و در ردیف افراد انگشت‌شماری است که در مدت سه دهه گذشته سازمان خلع رده نشده و تحت برخورد تشکیلاتی قرار نگرفته است. وی از سال ۱۳۶۱ به بغداد رفت و ابتدا تحت مسئولیت محمد حیاتی و سپس تحت مسئولیت مهدی ابریشمی، معاونت «ستاد روابط» با عراق را برعهده گرفت. عباس داوری از افرادی است که در ملاقات با مقامات سیاسی و امنیتی عراق به همراه رجوی و ابریشمی حضور داشته است. اخیراً نیز فیلم این ملاقات‌های مخفی توسط

شبکه «الجزیره» قطر و شبکه انگلیسی «اسکای نیوز» پخش شده است که عباس داوری در حال دادن اطلاعات محل پل‌ها و مراکز اقتصادی و نظامی ایران به مأموران صدام حسین هنگام جنگ ایران و عراق می‌باشد.<sup>۱</sup>

مهدی ابریشمچی در یکی از جلسات سری با یکی از افسران استخبارات عراق صمیمیت خود را این‌گونه اظهار می‌کند که در صورت عدم انجام درخواست وی، اعضای سازمان را جهت راهپیمایی به درب خانه وی خواهد برد.

مهدی ابریشمچی: اگر یک خط مستقیم برای کوت راه‌اندازی کنید خیلی خوب خواهد بود. اگر تلفن را راه‌نندازی می‌گویم مجاهدین بیایند درب منزل شما و راه‌پیمایی کنند.

افسر استخبارات: در خصوص شبکه ارتباطات ما آماده همکاری هستیم مثلاً ارتباط از ایران به پاریس و... شما در استفاده از اولین بخش از شبکه ارتباطات موفق بودید.

در بخشی دیگر از ملاقات با رابط سازمان، افسر ارشد اطلاعاتی عراق می‌گوید:

در خصوص درخواست‌های قبلی از جمله درخواست ۱۰۰ دستگاه خودرو ما از نظر اداری با این درخواست شما موافقت داریم فقط پی‌گیری در خصوص کسب موافقت ادارات دیگر است که در حال پی‌گیری می‌باشد. می‌دانید که ورود خودرو نیاز به اخذ مجوز از مبادی ذیربط دارد که با توجه به ورود کالاهای خارجی اخذ مجوز ضروری است مانند معاملات سابق، ۲۸ خودرو از داخل عراق خریداری می‌شود و ۷۲ دستگاه از خارج خریداری خواهد شد.

در رابطه با تلفن‌هایی که شما ۱۲۰ خط تلفن برای بغداد درخواست کرده بودید که با ۲۴ خط آن موافقت شده که باقیمانده خطوط تلفن ۹۶ خط می‌باشد. در خصوص مسئله خانه مسکونی که شما ۷ آپارتمان و ۷ منزل ویلایی و ۵ قطعه زمین خالی در کنار این مجموعه [در بغداد] و همچنین ۳ دستگاه برای موضوع حفاظت و ۲ تا در سلیمانیه خواسته‌اید که نسبت به این امر موافقت شده است شما با برادر رضا (کارمند مخابرات) هماهنگی کنید فقط شروط سابقی که به شما اعلام کرده بودیم در خصوص مسئله اجاره‌بها و مسئله حفاظت که به عهده شما می‌باشد رعایت قوانین اداری و امنیتی لازم است. دو خط تلفن ویژه درخواست کرده بودید که در این خصوص موافقت حاصل گردید.

۲۱ دستگاه مرکزی تقسیم خطوط تلفن درخواست داشتید که با تهیه آن بر اساس وضع موجود موافقت شده است. در خصوص تأمین نیازمندی‌ها سه یا چهار روز دیگر تماس بگیرید.

۱. سیحانی، روزهای تاریک بغداد: ص ۲۳۳.

## □ طرح فریب سازمان

در نبردهای اطلاعاتی دو کشور متخاصم به ویژه در زمان جنگ، با دادن اطلاعات گمراه کننده می‌توان از افشای اسرار واقعی و اطلاعات طبقه‌بندی شده جلوگیری نمود و ضربات کاری بر دشمن وارد کرد. در این قسمت یک نمونه طرح فریب ارتش عراق از طریق سازمان، که در عملیات والفجر ۸ به اجرا گذاشته شد و ضربات مهلکی به دشمن وارد آورد، به نقل از یک مسئول عملیات ضداطلاعات زمان جنگ در زیر می‌آید:

اوایل سال ۶۴ بود. در قرارگاه جلسه‌ای تشکیل شد که فردای آن روز در جریان کینس [پرونده] جدید خندق ۳ قرار گرفتیم. مسئولیت هدایت عملیات به عهده وزارت اطلاعات گذاشته شده بود. ... در آن زمان منافقین با جاسوسی تلفنی کمک شایانی به عراق برای آگاهی از اوضاع و احوال جبهه‌های ایران می‌نمودند و با استفاده از این حربه خطرناک چند عملیات را کشف و به اطلاع نیروهای عراقی رسانده و باعث شکست عملیات شده بودند.

در جلساتی که با مسئولین منطقه‌ای سپاه داشتیم آنان از ما درخواست می‌کردند طوری منافقین را فریب دهیم که یقین کنند عملیات زمستان ۶۴ در اطراف شهر العماره و هورالعظیم است و محل استقرار نیروها و امکانات عمدتاً بستان، سوسنگرد و هویزه است. در یکی از جلسات سؤال شد که حدود منطقه عملیاتی کجاست، تا لااقل در تماس با منافقین اسمی از آن منطقه نبریم؟ مسئولین حفاظت اطلاعات سپاه پاسخ می‌دادند که خود ما نیز منطقه عملیاتی آینده را نمی‌دانیم و این طرح از مرکز رسیده و خود نیز جهت فریب جاسوسان و ستون پنجم در حال انجام یک سری کارهای تاکتیکی در منطقه هستیم.

... برای هر یگان، تیپ، لشکر و سپاه مستقر در منطقه، پرونده‌سازی جداگانه‌ای نمودیم. هر پرونده دارای اطلاعات دقیقی از وضعیت نیروها، فرماندهان و محل استقرار آن یگان بود؛ لذا برای فریب منافقین، اطلاعات غیرواقعی را آماده و در پرونده قرار می‌دادیم و در تماس با آنها، اطلاعات غیرواقعی را می‌دادیم.

ارتباطات منافقین از طریق طرح کاملاً زیرپوشش قرار گرفت و کار اصلی شروع شد. برای اینکه منافقین متوجه طرح فریب نشوند هرآنچه‌گاهی ارتباطات آنان را قطع می‌کردند و یا اینکه در میان ارتباطات [مخابراتی] آنها رفته و هشدارهای حفاظتی را گوشزد می‌کردند. پس از چند روز... این طرح بیشتر از آنچه که انتظار می‌رفت در حال پیشرفت و بهره‌دهی بود و مطلب موردنظر به منافقین و عراق تلقین شده بود، نیروهایی که با ارتباطات سروکار داشتند نیز به نحو احسن از ارتباطات استفاده نموده و ضریب حفاظتی ارتباطات نتیجه مطلوبی را بوجود آورد.

بعد از گذشت مدت زیادی از اجرای طرح، در ارتباطاتی که از منافقین داشتیم آنان سرمست از اینکه توانسته بودند اطلاعات ذی قیمتی را به دست آورند، اعلام می کردند که عملیات بعدی به شکست خواهد انجامید.

گاهی اوقات برادران به علت کمبود نیرو و ضرورت، با چند لهجه و زبان با منافقین صحبت می کردند. به عنوان مثال یکی از برادران که در کار خود استاد شده بود با پوشش سرآشپز، مسئول تدارکات، مسئول موتوری، مسئول خط، مسئول جهاد، فرمانده قرارگاه، سرباز عادی، بسیجی، راننده خط، راننده آمبولانس و... با منافقین صحبت می کرد و روز بعد که مکالمات را گوش می دادیم متوجه نمی شدیم که واقعاً تمام صداها مربوط به یک نفر است. زیرا هنگامی که با پوشش سرآشپز جواب منافقین را می داد، آن قدر ماهرانه جواب می داد و محیط اطراف را با سروصدای قابل‌لمه، نوار نوحه و صداهای دیگر رانندگان که برای گرفتن غذای رزمندگان آمده بودند طبیعی جلوه می داد که تصور می شد واقعاً تماس عادی است...

از اطلاعاتی که ما به منافقین ارائه می کردیم و آنان به عنوان ستون پنجم مستقر در منطقه به عراق می دادند برای عراق مسجل شد که ایران قصد دارد از طریق هورالعظیم و اطراف العماره حمله خود را انجام دهد، لذا یک سری اقدامات تحکیمی در خطوط مقدم و پشت جبهه خود نمود. با توجه به رسیدن فصل زمستان و بیم عراق از حمله قریب الوقوع ایران، منافقین تلاش خود را دوچندان کرده بودند. بنابراین ما نیز چاره‌ای جز بالا بردن توان کاری خود نداشتیم و باید با تلاش فراوان نمی گذاشتیم منافقین از مطالبی که به آنان تلقین کرده بودیم منحرف شوند. در اواخر، کارها طوری پیش می رفت که تمامی مسئولانی که منافقین سراغ آنها را از منشی‌ها یا خانواده آنها می گرفتند، مخاطبین می گفتند به سوسنگرد، بستان یا هویزه رفته است. از سوی دیگر سپاه نیز با استقرار اردوگاه تاکتیکی نیرو و ادوات سیار، منطقه فریب را شلوغ کرده بود. در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ ساعت ۲۰ دقیقه بامداد متوجه شدیم که یکی از دستگاه‌های فنی از کار افتاده است. در پیگیری‌هایی که انجام دادیم متوجه قطع ارتباط از طریق تهران شدیم. در تماس با حفاظت اطلاعات سپاه آنان اعلام نمودند که عملیات والفجر ۸ برای آزادسازی شهر فاو شروع شده، جایی که اصلاً فکرش را نمی کردیم. در بامداد روز ۶۴/۱۱/۲۰ فاو آزاد شد و رزمندگان اسلام به پیش می رفتند. صدام اعلام کرد که این عملیات ایذایی است و ما در جای دیگری منتظر نیروهای ایرانی هستیم، و به خیال خود قصد منصرف کردن ایران، از حمله اصلی را داشت و نمی دانست که حمله مورد نظر و اصلی ایران همان حمله والفجر ۸ است. عراق پس از چند روز که متوجه شد چه کلاهی بر سرش رفته است با جمع‌آوری نیروهای خود و انجام چندین پاتک، تلاش مستمری نمود تا فاو را بازپس گیرد، لیکن به حول و قوه الهی و مقاومت

رزمندگان اسلام تمام تلاش‌های دشمن در آن مقطع بی‌نتیجه ماند.<sup>۱</sup>

### □ نقش سازمان در کشتار مکه

در مراسم حجّ سال ۱۳۶۶ تهاجم خونینی به تظاهرات حجاج ایرانی رخ داد که منجر به شهادت صدها نفر شد. در آن زمان، دولت عربستان سعودی مقصر این فاجعه را نظام جمهوری اسلامی اعلام کرد. جمهوری اسلامی نیز، علاوه بر رژیم آل سعود، «عوامل عراق و منافقین» را هم از مسببان حادثه معرفی کرد. به تصریح یکی از عناصر سابق «سازمان»، رجوی با استفاده از فرصت ایام حجّ، «طبق یک طرح از قبل تعیین شده و با همکاری دولت عراق»، تظاهرات آرام اعلام برائت زایران ایرانی را «به خون کشید تا به اهداف خاصّ خود برسد»!<sup>۲</sup>

سبحانی در کتاب خود عکس رجوی و همراهانش در لباس احرام را چاپ کرده و نوشته است: تصویر بالا مربوط به سفر مسعود رجوی به عربستان سعودی همزمان با آشوب‌های مکه در سال ۱۳۶۶ می‌باشد. این عکس برای اولین بار در ۱۶ اسفند ۱۳۷۹ در نشریه مجاهد به چاپ رسید و سازمان مجاهدین بعد از ۱۳ سال اعلام کرد که وی در سال ۱۳۶۶ برای زیارت به مکه رفته است. آیا جای سؤال وجود ندارد که چرا این خبر و عکس، ۱۳ سال پنهان نگاه داشته شده است.<sup>۳</sup>

افراد همراه رجوی در عکس مزبور عبارتند از: عباس داوری، علیرضا باباخانی، محمد سیدالمحدثین، علی‌رضا صدر حاج سیدجوادی و رضا درودی، که همگی از مسئولین روابط خارجی و اطلاعاتی و حفاظتی سازمان بودند.

در سال ۶۶ دولت عربستان سعودی در حال نزدیک شدن به ایران بود و تمایل داشت بسیاری از مشکلات و اختلافات فی‌مابین را حل نماید، و روابط خود را با ایران بهبود بخشد. نزدیکی عربستان سعودی به جمهوری اسلامی ایران، در حالی که جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به اوج خود رسیده بود، هم برای صدام و هم برای رجوی بسیار هولناک بود؛ چرا که هر دو به کمک‌های مالی سعودی نیازمند بودند، و این در صورتی ممکن بود که آن رژیم را - هرچه بیشتر - از جمهوری اسلامی دور سازند. از این

۱. بررسی اطلاعاتی عملیات فروغ...: صص ۱۳۵ - ۱۳۸؛ گفت و گو با یکی از مسئولان اطلاعاتی - عملیاتی.

۲. نشریه نگاه، سازمان مجاهدین...، بیانیه رضوانی: ص ۳۳۰.

۳. سبحانی، روزهای تاریک بغداد: ص ۹۲.



رو، می‌بایست تضادّ بین آنها را دامن بزنند تا نزدیکی آن دو را مانع شوند. تدارک امکانات اولیه و مقدمات اجرای توطئه را مأموران عراقی، در پوشش مصونیت دیپلماتیک، بر عهده داشتند. اینان مواد منفجره و نیز تصاویر امام را با خود به فرودگاه جده آوردند، بدون آنکه بازرسی و کنترلی در کار باشد. افراد سازمان، با گذرنامه‌های عراقی، به عنوان حجّاج عراقی، وارد خاک عربستان شدند. ریاست کاروان سازمان را عنصر قدیمی مرکزیت عباس داوری (رحمان) به عهده داشت. نیروهای رجوی در این مأموریت، که از خارج کشور و منطقه جمع‌آوری و اعزام شدند و از هفته‌ها قبل ریش گذاشته بودند، با یک اتوبوس از ساختمان موسوم به «سعادتی» در بغداد حرکت کردند. این جمع، پس از ورود به عربستان، خود را به راحتی در میان زائران ایرانی جای دادند تا تحرکات آنان، به نام ایرانیان تمام شود. نوروزعلی رضوانی، عضو سابق سازمان می‌نویسد:

اسامی بعضی از افراد کاروان را، که توانسته‌ایم به دست آوریم، عبارت‌اند از:

- ۱- حاج مسیح ۲- حاج صادقی ۳- حسین مسلمی ۴- بهرام (تقی) ۵- اصغر (معروف به اصغر رادیو) ۶- جواد صالح تهرانی (بیژن روابط) ۷- کاوه روابط ۸- حسین فیلی (عبّاس روابط) ۹- حمید باطبی (رحیم روابط) ۱۰- جواد ۱۱- حسن عنایت (صادق روابط).
- رییس اکیپ عراقی، فردی به نام «سروان خالد» بود.<sup>۱</sup>

پس از بازگشت کاروان مزبور از عربستان، عده‌ای از این افراد - به مرور زمان - «مسئله‌دار» شدند و احتمال جدایی آنها از سازمان افزایش یافت. به تصریح همان عضو جدا شده، «به منظور جلوگیری از انتشار خبر در بیرون، سازمان افراد مسئله‌دار را - یکی پس از دیگری - سر به نیست می‌کند»<sup>۲</sup> موارد مستند این امر که تعدادی از آنها در صفحات پیشین نیز ذکر شده‌اند، بدین قرار نقل شده است:

(۱) «اصغر رادیو»: وی پس از مدتی از مجاهدین خلق جدا شد و سازمان او را به پاکستان اعزام کرد. بعد از چندی، اعلام نمودند که اصغر توسط مأموران جمهوری اسلامی به قتل رسیده است.

(۲) «بهرام» (تقی): اهل تبریز پس از کشتار مکه، مسئله‌دار شد و تحت برخورد قرار گرفته به رده پایین‌تر تشکیلاتی تنزل یافت. چندی بعد، از سوی سازمان اعلام شد که نامبرده، به علت بلد نبودن شناو در حالی که جز او کسی در استخر نبوده، در استخر پایگاه بدیع‌زادگان غرق شده است.<sup>۳</sup>

۱. نشریه نگاه: سازمان مجاهدین...: بیانیه رضوانی: ص ۳۳۱.

۲. همان.

۳. همان.

۳) «جواد» (؟)؛ وی را به دار آویخته در تعمیرگاه یکی از قرارگاه‌ها یافتند. به اظهار دوستانش، نامبرده در شب حادثه وضع نامطلوب روحی نداشته است. همسر اول جواد در عملیات مرصاد کشته شد. و به هنگام قتل وی، همسر دوم او باردار بوده است. بنابه گفته افراد قرارگاه محل اتفاق، صحنه حلق‌آویز بسیار مرتفع بوده است و برای اجرای طرح، دخالت دو نفر دیگر - دست کم - ضرورت داشته است. این نکته مسلم است که جواد، به هنگام مرگ، مسئله‌دار بوده و قصد جدایی از سازمان را داشته است.<sup>۱</sup>

به غیر از موارد مذکور، در همان مقطع مرگ‌های مشکوک دیگری نیز در «قرارگاه اشرف» روی داده است که حداقل ۱۸ مورد آنها تاکنون توسط برخی اعضای سابق سازمان افشا شده‌اند،<sup>۲</sup> ولی معلوم نیست افراد مقتول یا متوفی در واقعه حج سال ۶۶ دخالت داشته‌اند یا خیر؛ لیکن قطعی است که همه این مرگ‌ها مدتی پس از آن حادثه پیش آمده است.

اظهارات و گواهی‌های برخی از جادشدگان سازمان در اروپا مبنی بر اطلاع از نقش سازمان در کشتار حجاج ایرانی در سال ۶۶، در اسفندماه ۷۳ و بهار ۷۱ بازتاب وسیعی در نشریات فارسی زبان خارج از کشور یافت و بعد از آن نیز به تناوب در مصاحبه‌ها و نوشته‌های آنان به این موضوع اشاره شده است. همچنین سابقه اقدام سازمان برای اعزام مخفیانه افراد به حج با هویت عراقی و تلاش برای نفوذ در کاروان‌های ایرانی، در نوارهای ویدئویی مذاکرات رابط سازمان و مقامات استخبارات عراق، وجود دارد. در بخشی از مذاکرات افشا شده عباس داوری نماینده سازمان در جلسه با افسران امنیتی عراق که بعد

از سقوط صدام به دست آمده است، به موضوع حضور افراد سازمان در حج اینگونه اشاره می‌شود:

عباس داوری: ما می‌خواستیم اگر امکان داشته باشد در درون هیئت‌های عراقی اعزامی به حج حضور یابیم و به گونه‌ای که مشخص نگردد که از مجاهدین و غیرعراقی هستیم و همان روزی که ایرانی‌ها وارد می‌شوند ما هم ملحق شویم البته می‌دانید که ایرانی‌ها به صورت کاروانی به حج می‌آیند و می‌خواهیم نیروهای خود را در آنها نفوذ دهیم و ارتباط‌گیری کنند.

افسر امنیتی: ما چگونه برای شما ویزا بگیریم؟ این نیروهای شما کجا می‌خواهند ارتباط‌گیری کنند.

عباس داوری: در جده، که همه زائرین ابتدا آنجا پیاده می‌شوند. و فعلاً چند نفر مدنظر ما است

۱. همان: ص ۳۳۲.

۲. همان: صص ۳۳۳ - ۳۳۴. گفت و گوها: محمد محمدی گرگانی، درباره مرگ مشکوک برادرش حسن محمدی گرگانی.

که [هم‌اکنون] در عراق نیستند.

افسر امنیتی عراق: ما پس از موافقت می‌توانیم برای آنها گذرنامه عراقی درست کنیم و به همراه برخی از کاروان‌های حج بفرستیم. برای هر فرد گذرنامه را می‌فرستند و به دست او می‌رسانند و در موعد مقرر هم گذرنامه را بازگرداند. راه دیگری نداریم.

عباس داوری: به خاطر حساسیت موجود اگر بشود که بازگشتش به کشور دیگری باشد و از آنجا به عراق بیاید بهتر است.

افسر امنیتی عراق: چون گذرنامه‌اش با یکی از کاروان‌های ما خواهد رفت نمی‌تواند با این کاروان بازنگردد. چون عربستان از هر کاروانی لیست دارد و نفر شما می‌تواند به مجرد رسیدن به آنجا از بعثه جدا شود و دنبال کارش برود و کسی او را شناسایی نخواهد کرد و در پایان به فرد تعیین شده از سوی ما مراجعه می‌کند و گذرنامه‌اش را تحویل می‌گیرد و می‌آید.

عباس داوری: نفرات مجاهدین می‌خواهند در داخل کاروان‌های ایرانی جای بگیرند و شب و روز با آنها باشند و مشخص نگردد که از کاروان دیگری آمده‌اند.

البته جزئیات پیچیده نقش سازمان در زمینه‌سازی و سوق دادن دولت وقت عربستان به کشتار خونین حجاج ایرانی و حتی مشارکت در عملیات کشتار، هنوز کاملاً روشن نشده است. اما این واقعیت، مسلم است که سازمان با ایفای نقش دوگانه از یک سو افراد خود را به عنوان عوامل دولت ایران برای انجام اقدامات تخریبی در عربستان به داخل ایران‌یان فرستاد و از سوی دیگر با ارائه اطلاعاتی گمراه‌کننده به مقامات عربستان آنان را برای اقدام پیشگیرانه و خشونت‌بار علیه حجاج ایرانی، فریب داد و تحریک نمود.

**اطلاعات**  
 مدیر مسئول: سید محمد باقر  
 مدیر عامل: سید محمد باقر  
 شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸  
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳

**گروه و کلاسهای زبانهای این گروه:**  
 این گروه کلاسهای زبانهای انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی، عربی، و ... را برگزار می‌کند. برای اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید.

**اطلاعات بیشتر:**  
 این گروه با هدف ارتقای سطح علمی و فرهنگی دانشجویان و علاقه‌مندان به زبان‌های خارجی تاسیس شده است. کلاسها به صورت حضوری و آنلاین برگزار می‌شود.

**گروه همگامی**  
 گروه همگامی با هدف تقویت روحیه همبستگی و همکاری بین اعضای گروه تاسیس شده است. در این گروه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی انجام می‌گیرد.

**گروه همگامی و کلاسهای زبانهای این گروه:**  
 این گروه علاوه بر کلاسهای زبان، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. برای عضویت و اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید.

**اطلاعات بیشتر:**  
 این گروه با هدف ارتقای سطح علمی و فرهنگی دانشجویان و علاقه‌مندان به زبان‌های خارجی تاسیس شده است. کلاسها به صورت حضوری و آنلاین برگزار می‌شود.

**مجلس همگامی**  
 مجلس همگامی با هدف تقویت روحیه همبستگی و همکاری بین اعضای گروه تاسیس شده است. در این مجلس فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی انجام می‌گیرد.

**مجلس همگامی و کلاسهای زبانهای این گروه:**  
 این مجلس علاوه بر کلاسهای زبان، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. برای عضویت و اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید.

**اطلاعات بیشتر:**  
 این مجلس با هدف ارتقای سطح علمی و فرهنگی دانشجویان و علاقه‌مندان به زبان‌های خارجی تاسیس شده است. کلاسها به صورت حضوری و آنلاین برگزار می‌شود.

**گزارش مجلسی در رابطه با سال ۱۳۶۶ و سخنرانی "تغییرات و تحولات" در این رابطه**  
 در جلسه مجلسی که در تاریخ ۱۳ شهریور ماه ۱۳۶۶ برگزار شد، سید محمد باقر در رابطه با تحولات و تغییرات در سازمان مجاهدین خلق سخنرانی نمود. ایشان به بررسی دستاوردهای سال گذشته و چالش‌های پیش رو پرداختند.

**گزارش مجلسی در رابطه با سال ۱۳۶۶ و سخنرانی "تغییرات و تحولات" در این رابطه**  
 در ادامه سخنرانی، سید محمد باقر به بررسی وضعیت داخلی و خارجی سازمان پرداختند. ایشان تأکید کردند که در شرایط کنونی، تغییرات و تحولات در ساختار و روش‌های کار ضروری است.

**گزارش مجلسی در رابطه با سال ۱۳۶۶ و سخنرانی "تغییرات و تحولات" در این رابطه**  
 در پایان جلسه، سید محمد باقر به بحث و تبادل نظر با اعضای مجلس پرداختند. ایشان تصمیم گرفتند که در سال آینده، تمرکز بیشتری بر روی تغییرات و تحولات در سازمان داشته باشند.

نقشای نقش مجاهدین خلقی در گذشتار مکه (سال ۱۳۶۶) در مطبوعات و انعکاس آن در روزنامه مجاهد

### ○ سفر محرمانه رجوی به عربستان

بعد از موفقیت سازمان به کمک رژیم بعث عراق در جلب اعتماد حکومت عربستان، که بعد از انتشار اطلاعاتیه سازمان در محکومیت فاجعه مکه و انتساب مسئولیت آن به جمهوری اسلامی به بالاترین حد خود رسید،<sup>۱</sup> روابط تشکیلات با عربستان سعودی توسعه یافت. در یک نوار ویدئویی مذاکرات مهدی ابریشمچی با افسران ارشد اطلاعاتی عراق، در آبان ۱۳۶۶، چنین آمده است:

مهدی ابریشمچی: روز پنجشنبه از سفارت سعودی بعد از اطلاعاتیه‌ای که ما راجع به قضیه مکه صادر کردیم تماس گرفتند و گفتند که ملک فهد برای شما پیامی فرستاده است. ما به خاطر رعایت مسائل امنیتی با شما مشورت نمودیم. سعودی‌ها خواستند که روز شنبه با ما جلسه‌ای داشته باشند و امروز موافقت کردیم ملاقات ما در روز شنبه در ساختمانی خواهد بود که می‌شناسید. اگر ملاحظه‌ای دارید بفرمایید.

افسر اطلاعاتی عراق: راجع به مطلبی که برادر مسعود [رجوی] به وزارت خارجه ارسال نموده است شما چه اطلاعاتی راجع به این موضوع دارید؟

باید هماهنگی صورت پذیرد. موضوع ملاقات با سفیر سعودی را قبلاً طرح نموده‌اید. من نمی‌دانم، گویا مطلبی در این رابطه به وزارت خارجه فرستاده شده است. چون گمان خواهد شد که شما این رابطه و ملاقات را با هماهنگی قبلی با ما انجام داده‌اید، لذا مناسب است ما را در جریان بگذارید. ما در هر زمینه می‌خواهیم آبروی سازمان حفظ شود. من به عنوان یک فرد کارشناس و جناب دکتر [= رییس سازمان اطلاعات عراق] هم در این رابطه احساس مسئولیت می‌کنیم.

آیا به نظر نمی‌رسد که خوب بود ما را در جریان می‌گذاشتید. ما برای تحرک برادر مسعود و دیدار ایشان با سفیر سعودی محدودیتی نمی‌گذاریم.

مهدی ابریشمچی: این دعوتنامه رسمی را که ملک فهد برای ما فرستاده است ما فکر می‌کردیم در رابطه با اطلاعاتیه ما بوده است ولی وقتی رفتیم این دعوتنامه را به ما تحویل دادند، لذا ما جهت هماهنگی با شما مستقیماً این مسئله را بیان نمودیم تا ملاحظات و نقطه‌نظرات شما را در نظر بگیریم. به دنبال اطلاعاتیه‌ای که بعد از قضیه مکه دادیم که رونوشت آن به سفارت سعودی در بغداد فرستاده شده بود، آقای سفیر تماس گرفته و گفته بود که حامل پیام ملک فهد بوده و امروز به دیدار من آمد. سفیر با ابلاغ توجهات ملک فهد، هیئتی را از سازمان جهت سفر به جده

---

۱. سازمان در این اطلاعاتیه که در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۶۶ صادر شد، مسئولیت وقوع کشتار خونین حجاج ایرانی را برعهده دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام نمود و به تبرئه دولت عربستان پرداخت.

و ملاقات با مسئولین عربستان سعودی دعوت نموده‌اند و تاریخی مشخص کرده‌اند که روز سه‌شنبه این هفته را منتظر هیئت هستند.

مسعود گفت حدس می‌زنم این دعوت ملک فهد از هیئت ممکن است در ارتباط با توصیه‌هایی باشد که جناب رییس جمهور [صدام] گفته‌اند.

ابریشمچی در ادامه این جلسه، پیام رجوی خطاب به رییس سازمان اطلاعات عراق را قرائت می‌کند که در بخشی از آن چنین آمده است:

آن‌چنان که دکتر می‌دانند ما به دنبال متقاعد کردن سعودی به برقراری ارتباط مستحکم با عراق هستیم و همین‌طور خواستار این هستیم که خمینی را به قوی‌ترین صورت طرد کنند و جناب دکتر خوب می‌دانند که خبر این رابطه باید بین ما و شما محفوظ بماند. همچنین اگر دکتر ملاحظه‌ای دارند قبل از آنکه هیئت روز سه‌شنبه پرود بیان کنند. و به اطلاع می‌رسانم که هیئت ۳ نفر است که مسئول آن سیدالمحدثین می‌باشد.

افسر اطلاعاتی عراق: شما هر موقع کار داشتید تلفنی تماس بگیرید ما در خدمتان هستیم. اگر لازم باشد ما نیز با سفیر سعودی دیدار می‌کنیم ارتباط سازمان را با همه کشورها می‌خواهیم.

هیئت مزبور به عربستان سفر نمود و بعد از مدتی مقدمات سفر محرمانه رجوی به عربستان، در

پوشش انجام مناسب عمره فراهم شد.<sup>۱</sup> در بخشی دیگر از مذاکرات، افسر اطلاعات عراق می‌گوید:

ما برای اینکه مخفی بودن سفر را تأمین کنیم حتی برای مخفی ماندن از دید کارکنان فرودگاه، یک جدول زمان‌بندی شده داریم که به شما اطلاع می‌دهیم تا براساس آن عمل شود و انتظار داریم براساس آن عمل شود و غیر از ما سه نفر هیچ‌کس از آن اطلاع ندارد.

... الان اطلاعات هواپیما از امور خارجه بما رسید. هواپیما g<sub>3</sub> و شماره پرواز ۳۸۰ می‌باشد و پرواز ساعت ۱۰ است... ما از ساعت ۸ صبح نفراتمان در فرودگاه هستند.

در جلسات دیگر بین رابط سازمان مجاهدین و سازمان اطلاعاتی عراق تأکید می‌شود که سفر مزبور

در جهت جلب حمایت بیشتر عربستان از سازمان برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران بوده است.

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، سازمان خبر این مسافرت را ۱۳ سال مخفی نگاه داشت و اولین بار در

---

۱. به نظر کارشناسان مسائل سازمان و برخی اعضای سابق، سفر شخص رجوی به عربستان، نشانه‌ای از عمق روابط و همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی مشترک عراق و عربستان و سازمان در آن مقطع زمانی بوده است و نمی‌توان آن را صرفاً یک تشکر ساده عربستان به خاطر صدور یک اطلاعیه محسوب نمود. زیرا اگر مسئله فقط دعوت رجوی برای انجام مناسب عمره به میزبانی دولت عربستان می‌بود، نیازی به اعزام یک هیئت مقدماتی و دخالت سازمان اطلاعات عراق نبود.

پیشینه ارتباطات سازمان و عراق ● ۲۷۳

سال ۱۳۷۹، ظاهراً به دلیل استفاده تبلیغاتی از چاپ عکس رجوی در لباس احرام حج، آن را علنی نمود. البته همواره سازمان موضوع نقش خود در کشتار حجاج در سال ۱۳۶۶ را تکذیب نموده و مانند سایر موارد افشا شده از سوی جداشدگان، ماجرا را از اساس منکر گردیده است.



سیزده سال تأخیر انتشار غیر سفر محرمانه رجوی به مکه (سال ۱۳۶۶) در روزنامه  
مجاهد شماره ۵۳۸ - ۱۶ اسفند ۱۳۷۹ صفحه ۱۹